



نوشته از بصیر دهباز

اوضاع وخیم کنونی بین المللی، حلقه تنگ خفقان بر گلوی ارزش های حقوق بشر و اهداف منشور ملل متحد

بمناسبت ۷۶ و مین سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر

اوضاع متشنج کنونی در شرق میانه و اوکراین دارد جهان ما را در معرض یک خطر جدید قرار بدهد که بوی تقسیم مجدد جهان در طویل المدت، از لحاظ منافع جیوپولیتیک و ایجاد حکومت های دستنشانده را بمشام میرساند. این احتمال را نباید ساده گرفت. زیرا سمتگیری روان عمومی جهان نیز در راستای بی اعتباری نقش سازمان ملل متحد در تطبیق بلانحراف اهداف تسجیل شده در منشور آن سازمان شکل میگیرد و هم چنان مفاهیم مانند تأمین حقوق بشر، صلح، آزادی و دموکراسی، دارند به شعار های فانتازی گونه برای یک جزیره خورشید مبدل میگردند.

نقش سمبولیک سازمان ملل متحد، سیاست های پیچیده و نقش فعالیت های استخباراتی دول غربی در چندین استقامت، تغییرات در حکومتات و جغرافیای منطقوی با زور و بهانه گیری زیر نام خطر حقوق بشر، انکشاف تسلیحات اتومی و فشار های اقتصادی ناشی از این بهانه گیریها را به وجود آورده است. بدون شک سیاست ها و برخورد های دوگانه، تبعیضی و استفاده ابزاری از گروه های مذهبی اکسترمیست (تروریستی و ناقضین خشن حقوق انسان و انسانیت) نیز جز این سیاست های پیچیده میباشند.

حکومت های اعضای ناتو زیر نام دفاع مشروع از اوکراین و سرازیر کردن سیل تسلیحات و دهها میلیارد ابرو و دالر و اکنون مجاز دانستن حمله با راکت های میانبرد کروز به داخل خاک روسیه در دو ماه آخر حکومت رئیس جمهور بایدن و حزب (سیاه کار) دموکراتش جهان را به یک خطر و تلاش برای آخرین امید های پیروزی حکومت ژاندارم منطوقی اوکراین مواجه ساخته است که میتوان در مورد لقب مار دم بریده را داد.

جینوساید مردم فلسطین در غزه و مجوز دادن به ارتکاب شدید ترین و خوفناک ترین جنایت بشری و جنگی برای حکومت سهیونیست اسرائیل در برابر خلق فلسطین بیان سهمگیری غیر مستقیم حکومت بایدن در این جنایات جنگی و قتل عام مردم در این سرزمین تلقی میگردد.

اکنون مسلح کردن مجدد گروه های که بدون شک بقایای داعش و گروه افراطی تحریر الشام و جبهه النصره در سوریه که حکومت بشار اسد را در معرض سقوط قرار داده است، باز کردن یک میدان جدید بحران در خاور میانه میباشد.

با یک بررسی میتوان بدین نتیجه رسید که اوضاع وخیم بین المللی در سالهای بعد از سقوط رقیب بزرگ جهانی ایالات متحده آمریکا یعنی اتحاد شوروی سابق تا امروز با فاکت های زیر حالت بد تر از قبل را بخود کسب نموده است.

بدون شک این اوضاع و وقایع در این مناطق داغ و جنگی و ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه انسان و انسانیت دیگر اعتماد ایده های تمکین به اساسات حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ ملل متحد و ۶ کنوانسیون های مرتبط آنرا در حد اقل قرار داده است. زیرا یکی از چالش ها در برابر تأمین حقوق بشر و حرمت، و تضمین های بین المللی بر تطبیق کنوانسیون های بین المللی، نقش بر ملا و اظهار من الشمس تعداد حکومت های غربی است که زیر این نام، خود مسئول و چراغ سبز دادن ها به این جرایم در مناطق جنگی میباشد.

این پلانها، پروژه ها و سیاست های جیوپولیتیکی را اکنون باید خصلت ذاتی سیستم های لیبرال تعریف نمود که دانشمندان ضد سرمایه داری یک ونیم قرن قبل بیان و پیشبینی نموده بودند.

اگر در یک بعد تاریخی سی و پنج سال قبل یعنی فروپاشی اتحاد شوروی، پیمان نظامی وارسا و سیستم سوسیالیستی در اروپای شرقی موضوع را به بررسی بگیریم. ما در یک تداوم و وسیع شدن دامنه وخامت صلح، ثبات و امنیت جهانی قرار گرفته ایم که دیگر مفاهیم امنیت جمعی، دیتانت بین المللی و حل مسالمت آمیز پرابلم های جهانی و منطقوی با استفاده از مجرا های دیپلوماتیک بین المللی کنار زده شده اند و بلاخره سازمان ملل متحد، اخسن وظایف شورای امنیت دیگر دارد فاقد اعتبار شده و بیش از یک نهاد بین المللی سمبولیک نقش در انجام وظایف اش را ندارد.

اگر قبل از سقوط اتحاد شوروی و فروپاشی پیمان وارسا، جهان در تهدیدات (بعضن ترسانیدن یکدیگر دو رقیب از عدم توازن قوا و میزان تعداد تسلیحات اتمی) قرار داشت، ولی با آنهم موضوع توازن قوا و جلوگیری از یک جنگ جهانی اتمی و امضای توافقات میان دو رقیب امریکا و شوروی میتوانست در بحث های دیپلوماتیک و نتایج آن، فضای یک تنفس آرام را برای مدتی در روان مردم جهان ایجاد کند و در نتیجه انکشاف نسبی کشور ها، تمکین به کنوانسیون های بین المللی، اخسن محتوای منشور ملل متحد مبنی بر احترام به حاکمیت ملی ملتها، عدم مداخله و عدم هر گونه تهدید به زور و استفاده از قوت نظامی (ولو در شعار) در سیاست های دولت های قدرتمند، با کلمات «زیبا و هم فریبنده»، زینت بخش صفحات روزنامه ها، مجلات و تلویزیون ها میگردیدند.

ولی بعد از سقوط اتحاد شوروی و فروپاشی سیستم سوسیالیستی در کشور های شرق اروپا، غرب را در هدف نمبر یک، بیشتر متمرکز به چور سیاسی و اقتصادی کشور های اروپای شرقی نمود. در اول کمپنی های نامدار (کمپنی سکودا از چک و سلواک سابق، توسط فولکس واگن آلمان، کمپنی الکترونیک (تولیدات سفید) هنگری توسط ایتالیا، فابریکه موتر سازی داسیا رومانیا توسط شرکت اوتوموتیف رنو از کشور فرانسه و تعداد دیگر) به نرخ کاغذ های باطله تصرف گردیدند.

تجزیه یوگوسلاوی بزرگ به ۶ قطعه کشور های ناتوان و بی اراده قرار گرفتند و (به استثنای صربستان) با عجله خاص عضو ناتو گردیدند و دهها قضایای دیگر.

اکنون اوضاع جهان شدیدن در معرض :

- سلب حاکمیت ملی دولتها،

- نقض حقوق بشر در کشورها زیر نام تأمین حقوق بشر و دموکراسی و آزادی،

- به مسخره گرفتن نقش سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن با رد و یا ویتوی قطعنامه‌ها مرتبط با حوادث وحشتناک نقض حقوق بشر و کشتارهای جمعی (جینوساید)،

- در حد اقل رسانیدن نقش ملل متحد و شورای امنیت در بزرگترین وظیفه آن یعنی تأمین صلح و ثبات و امنیت جهانی، احترام به حاکمیت ملی کشورها و حق کشورها در تعیین سرنوشت خودشان،

- خموشی اختیار کردن (خموشی علامه رضا) در وحشتناکترین جرایم جنگی، جرایم ضد بشر و بشریت و جرایم شدید ضد حقوق بشر، بر بنیاد پالیسی‌های جیو پولیتیک که نمیتوان آنان را عدم مسئولیت یا غیر اخلاقی و انسانی ندانست،

- پالیسی‌های توسعه طلبانه و به استشمام رسیدن بوی تقسیم مجدد جهان،

- استفاده از پالیسی‌های مخفی استخبارات «سیاه و کثیف» در شکل دادن، تمویل و فرستادن گروه‌های شناخته شده تروریستی جهت تصرف سرزمین‌ها و سقوط دولت‌های مشروع، قانونی و متکی بر اصول منشور ملل متحد،

- سازماندهی شورش‌ها و برهم زدن نظم و ثبات کشورها در انکشاف به سوی ترقی اجتماعی و اقتصادی و ایجاد موانع در تداوم انکشاف کشورها زیر نام (انقلابات سبز و نارنجی)،

با نتیجه گیری از فاکت‌های ارائه شده میتوان به چند نکته زیر معتقد گردید:

امیدها به چالش‌ها مبدل گردیده اند،

ایده‌های صلح و همزیستی به مفاهیم بدون باور مبدل گردیده اند،

حکومت زیر نان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر، زنده گی مردم را در سرزمین‌های دوردست‌شان به جهنم و میدان خون و آتش مبدل ساخته اند،

حقوق بشر و تمکین به انسان و انسانیت دیگر به مانند کلمات زیبا فقط برای نوشتن اشعار فانتازی گونه قابل نام گرفتن و یادمانی اند،

باور به مسئولیت اخلاقی کشور های قدرتمند دیگر برای گفتن فکاهی های طنزآمیز مناسب ترین اند. ولی نباید فراموش کرد که بیشترین انسانهای پاک طینت و با وجدان و عاطفه انسانی با توان و پشت کار در برابر این اعمال که در با لا به تحلیل و توضیح گرفته شده اند، قرار دارند. واقعیت های کنونی بدون شک تفاوت نظر ها، قطب بندی های سیاسی را در داخل جوامع بزرگ که عامل نقض ارزش های انسانی اند، به وجود آورده و بخش بزرگ روان عامه جهانی را نیز در دفاع از احیای حق و عدالت تحت تأثیر قرار داده است و طلسم ها در حالت شکستن قرار دارند.

بصیر دهبازاد

www.hoqqo.eu